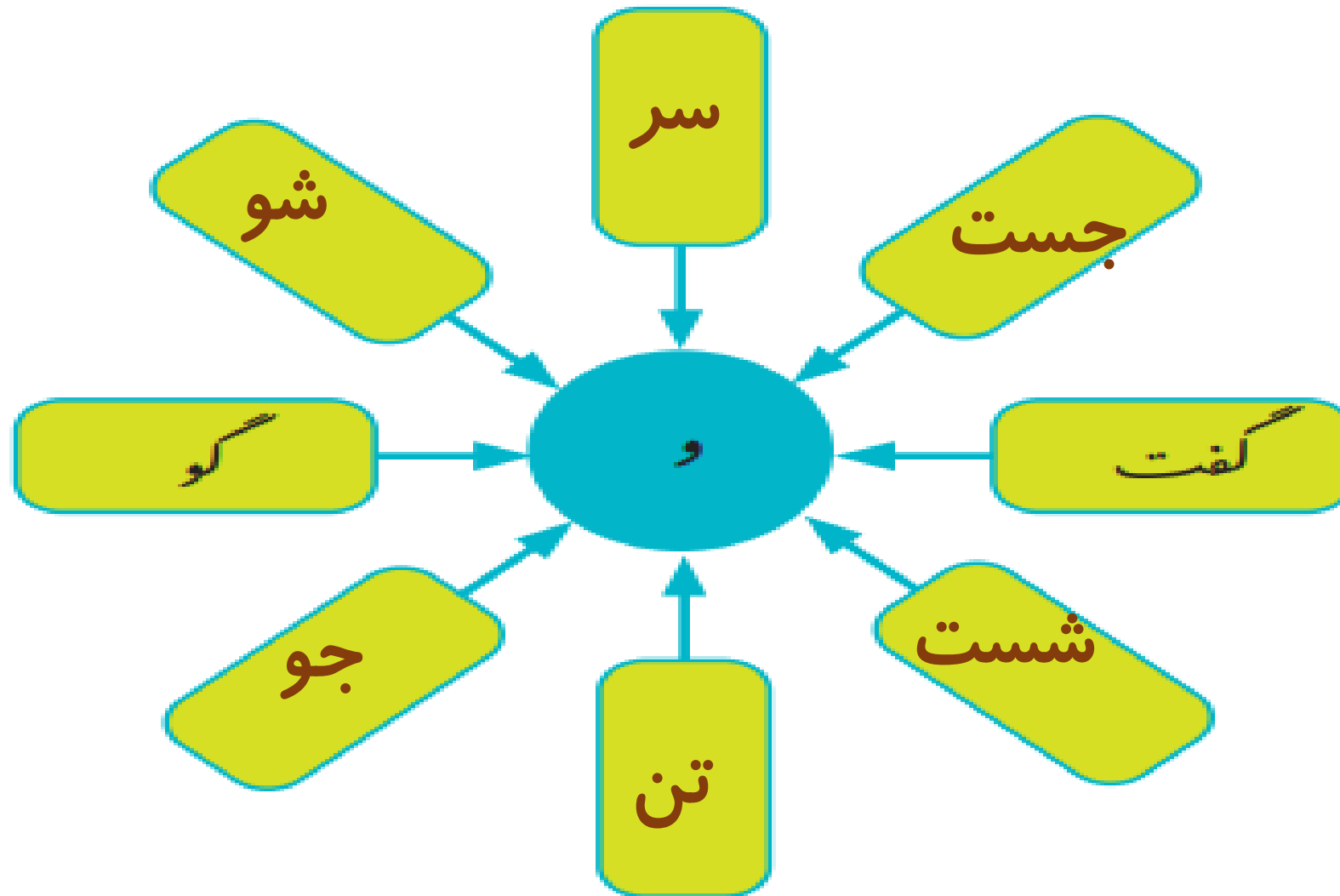




هفت خان رستم



مانند نمونه واژه‌هایی از متن درس بیابید و در شکل بنویسید.



با توجه به علامت‌ها و واژه‌های نوشته شده، جمله‌های متناسب با آنها را از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

..... چون رود، خون از برش

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت.

رخش می‌کوشد تا با کوفتن سم بر زمین رستم را از وجود ازدها آگاه کند؛

بدین گونه، رستم با پشت سر گذاشتن ۷ مرحله‌ی بسیار دشوار و خطرناک،

..... یاران خود را از بند دیوان ، نجات می‌دهد و به ستایش یزدان می‌پردازد.:

۳ الف) یک نمونه مبالغه که در صحبت‌هایتان به کار می‌برید، بنویسید.

■ مثال: صد دفعه گفتم ← در اصل گوینده صد بار نگفته، بلکه چند بار تکرار کرده است.

..... دو ساعته منتظرم، در اصل گوینده دو ساعت منتظر نبوده، بلکه چند دقیقه منتظر بوده است.

۴ ب) معنای دور و معنای نزدیک کنایه‌ی زیر را بنویسید.

معنای دور آب را درهاون ریختن و کوبیدن

آب درهاون کوبیدن

معنای نزدیک کاریبوده کردن



۱ بیت زیر را به نثر ساده باز نویسی کنید.

خروشید و جوشید و برکند خاک ز ستمش زمین شده، چاک چاک

رخش، شیهه کشید و جست و خیز کنان، از شدت خشم با ضربه های ستمش، زمین را پاره پاره کرد.

۲ برای موفقیت در زندگی، به نظرتان چه خان‌هایی پیش رو دارید؟

بر عهده ی دانش آموز

یک نمونه مبالغه از متن درس ذکر کنید و آن را توضیح دهید.



بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از سرش

هنگامی که سر اژدها قطع می شود شاعر خارج شدن خون از بدن اژدها را به دلیل
حجم زیاد خون به جاری شدن رود تشبیه کرده است.



بهره گیری از حواس پنجگانه

برای اینکه نویسنده‌ی خوبی باشیم، لازم است:

🍌 همه چیز را خوب و دقیق ببینیم. (خوب دیدن)

🍌 خوب و دقیق گوش دهیم. (خوب گوش دادن)

🍌 نسبت به بو، مزه و طعم اشیا، حسّاس و دقیق باشیم. (تقویت حسّ چشایی و بویایی)

🍌 گاهی به کمک حسّ لامسه، پدیده‌ها و اشیا را بشناسیم. (تقویت حسّ لامسه)

پس مقدمه‌ی خوب نوشتن، خوب دیدن، خوب گوش دادن، استفاده از حسّ بویایی، چشایی و لامسه است.

از پنجره‌ی کلاس به بیرون نگاه کنید و آنچه را می‌بینید، در یک بند بنویسید.



خیابان را می‌بینم که برگ‌ریزان پاییز شروع شده است برگ‌های
زرد و قرمز درختان را

می‌بینم. زنگ تفریح به صدا درآمده و بچه‌ها با سروصدای زیاد
از کلاس خارج می‌شوند.

چشمان خود را ببندید و حسّ خود را درباره‌ی صداهایی که می‌شنوید، بنویسید. 

چشمانم را بستم. صدای سماور مادرم که همیشه می‌جوشد.

صدای داد و جیغ بچه‌ها که روی مخ است.

صدای اذان آمد حسم بیشتر شد پدرم شروع کرد به نماز خواندن.

صدای پدرم می‌آمد دست‌هایش بالا بود و داشت با خدا راز و نیاز می‌کرد و

دعاهایی را که دارد و حس خوبی است که صداهارابشنوی

برداشت خود را از ضرب المثل «نوش دارو بعد از مرگ سهراب» در یک بند بنویسید.

ما انسان ها همیشه در کارها اشتباهاتی داریم.
گاهی مانند رستم وقتی کاری را انجام می دهیم
که دیگر کار از کار گذشته است.
ماباید کارها را در زمان مخصوص آنها انجام دهیم
و البته قبل از انجام دادن آن کار به عاقبتش هم فکر کنیم.



الف) به جمله‌های زیر دقت کنید:

- هر قدر بیشتر بالاتر بروی، پایین افتادنت هم شدیدتر خواهد بود؛ بنابراین فراموش نکن که هنگام بالا رفتن، از محکم بودن جای پایت مطمئن شوی.
- این وظیفه‌ی هر انسانی است؛ بنابراین تشکر لازم نیست.
- این حیوان وحشی است؛ بنابراین حمله خواهد کرد.

واژه‌ی «**بنابراین**» یکی دیگر از واژه‌هایی است که میان دو جمله می‌آید و «علت، سبب و دلیل» را بازگو می‌کند.

ب) جاهای خالی را با «**اما، ولی، بنابراین، و**» کامل کنید.

چند وقت پیش داستان‌های درباره‌ی خیر و شر خواندم. اینکه سال‌ها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند.....**اما**..... شر زودتر از آب بیرون آمده.....**و**..... لباس‌های خیر را پوشید **بنابراین**. خیر هم برای اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباس‌های شر را بپوشد. و حالا سال‌هاست که آدم‌ها خیر و شر را اشتباه می‌گیرند.



از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.



همان گنج و دینار و کاخ بلند

نخواهد بدن مر تو را سودمند

سخن مانند از تو همی یادگار

سخن را چنین خوارمایه مدار



عنوان داستان: نگهبان کاروان

نگهبان کاروان ۱	بامداد صاحبان مال دیدند که شتران و بار آنها ناپدید شده است.	۲	دزدان رسیدند
گفت: «تعداد آنها زیاد بود و من تنها بودم.»	شب به خواب رفت.	۳	و کاروان را غارت کردند.
گفت: «دزدان نقابدار، کاروان را غارت کردند و مال مردم را به یغما بردند.»	به نگهبان پرخاش کردند که چه پیش آمده است؟ ۴	۵	گفتند: «اگر نمی‌توانستی با آنها مبارزه کنی، باید فریاد و هیاهو می‌کردی تا بیدار شویم.»
گفتند: «مگر تو سنگ بودی؟»	چرا جلوی آنها را نگرفتی؟» ۶	۷	اما اکنون هر قدر که بخواید برایتان فریاد می‌کشم!
گفت: «در آن هنگام شمشیر کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی تو را می‌کشیم.»	من نیز از ترس خاموش گشتم.	۸	۹
		۱۰	۱۱

پایان درس هفت خان رستم



وقتی ارزش خودت رو بدونی،
برای سخت‌ترین کارها با آدمای بی ارزش
وقت بگذرونی!

doga.ir

doga.ir